

ساخت واژه



می‌پردازد. در این نگرش، هر کلمه ممکن است مصداق یکی از شکل‌های هفت‌گانه زیر باشد:

۱. کلماتی که تکواژ وابسته آن‌ها امروزه زایایی خود را از دست داده است و اکنون واژه جدید نمی‌سازد؛ مثل:
 - لاج (پسوند مکان) در کلماتی مثل: سنگلاخ و دیولاخ
 - اک (پسوند اسم‌ساز) مثل: پوشاک، خوراک
 - سیر (پسوند مکان) مثل: سردسیر، گرمسیر
 - یزه (پسوند ا تصاف) مثل: پاکیزه، دوشیزه

۲. کلماتی که تکواژ پایه آن‌ها امروزه کاربردی ندارد و به عبارتی، با معنای تاریخی خود به کار نمی‌رود؛ مثل:
 - کاروان (= کاربان: کار (سپاه، جنگ) + وان (پسوند محافظت): قافله
 - پهلوان (پهلو: شجاع، درشت‌اندام) + ان (نسبت)
 - خلبان (خله: پاروی قایق‌رانی) + بان (پسوند دارندگی)
 - دستگاه (دست: قدرت) + گاه (پسوند مکان)
 - دبستان (دب/دپ: نوشتن) + ستان

۳. کلمات مرکب تاریخی که هر دو یا یکی از بخش‌های آن‌ها معنای گذشته خود را از دست داده‌اند و اکنون به کار نمی‌روند؛ مثل:
 - تهمت: تهم (تنومند) + تن
 - دشمن: دش (بد، زشت) + من، آن که بدخواه دیگری است.
 - پادزهر: پاد (وند) + زهر
 - دشوار: دش (وند) + وار (= خوار: آسان)

۴. واژه‌هایی که در تکواژ پایه‌شان فرایند کاهش صورت گرفته

چکیده

در کتاب درسی زبان فارسی (۳)، (به استثنای رشته ادبیات علوم انسانی) چنین آمده است: «اجزای واژه‌های غیرساده گاه آن‌چنان ادغام می‌شوند که تشخیص ساده از غیر ساده ممکن نیست... امروز این نوع واژه‌ها در نظر اهل زبان ساده به‌شمار می‌آیند...» (حقوق‌شناس، ۱۳۸۰: ۱۳۶) لیکن چون مصداق «این نوع واژه‌ها» بیان نشده، به برخورد سلیقه‌ای در تمییز ساخت واژه دامن زده است. بنابراین، نگارنده در این مقاله می‌کوشد تا با تقسیم ساخت واژه به دو بخش «در زمانی» و «هم‌زمانی» مشکل را برطرف کند.

کلیدواژه‌ها:

ساخت واژه، هم‌زمانی، در زمانی، تکواژ (آزاد، وابسته) وند تاریخی، وند زایا

عبدالحمیدامانی

دبیر ادبیات دبیرستان‌ها و مراکز پیش‌دانشگاهی مانه و سلمقان، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

بی‌تردید هدف اصلی آموزش این مبحث، این است که دانش‌آموزان بتوانند با استفاده از وندها و تکواژها و تکواژهای زنده و پویای زبان واژه‌های جدید بیافرینند یا دست‌کم، وندهای زایا را برای کاربرد بهتر فراگیرند. بنابراین، به نظر می‌رسد که آموزش وندهای تاریخی و مرده به‌عنوان اجزای سازنده یک کلمه، لزومی نداشته باشد.

از این‌رو دو نگرش متفاوت به ساخت واژگان می‌تواند وجود داشته باشد.

الف) در زمانی: نگرشی که کنونی نیست و به ساخت تاریخی کلمات و فرایندهای تغییر و تبدیل آن‌ها براساس متون کهن



هر کلمه‌ای که در آن یکی از ویژگی‌های نازایی یا زاید بودن وند وجود داشته باشد، یافریندهای کاهش، افزایش و تبدیل نسبت به اصل خود در آن صورت گرفته باشد و حتی تکواژ آزاد آن، معنای پیشین خود را از دست داده و کاربرد امروزی نداشته باشد، برای اهل زبان امروز، ساده است؛ گرچه در دستور تاریخی می‌تواند مشتق یا مرکب باشد



کلمه توجهی ندارد. در چنین نگرشی، کلماتی همچون مژه، دبستان، کاروان، سنگلاخ، پگاه، شبان و... مشتق به شمار نمی‌آیند و تنها کلماتی مثل: کارگر، هنرمند، دانا و... که هم تکواژ پایه‌شان استعمال امروزی دارند و هم تکواژ وابسته‌شان زیابست، مشتق محسوب می‌شوند و کلماتی مرکباند که حداقل دارای دو جزء مستقل معنی‌دار امروزی باشند. بنابراین، می‌توان گفت: هر کلمه‌ای که در آن یکی از ویژگی‌های نازایی یا زاید بودن وند وجود داشته باشد، یا فرایندهای کاهش، افزایش و تبدیل نسبت به اصل خود در آن صورت گرفته باشد و حتی تکواژ آزاد آن، معنای پیشین خود را از دست داده و کاربرد امروزی نداشته باشد، برای اهل زبان امروز، ساده است؛ گرچه در دستور تاریخی می‌تواند مشتق یا مرکب باشد.

پی‌نوشت

۱. در تعیین تکواژهای همه مثال‌ها از فرهنگ فارسی معین استفاده شده است.

منابع

۱. حق‌شناس، محمدعلی و دیگران؛ زبان فارسی (۳/۲۴۹)، چاپ سوم، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۸۰.
۲. کزازی، میرجلال‌الدین، نامه باستان، ج ۱، چاپ اول، تهران، سمت، ۱۳۷۹.
۳. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، ج بیست و سوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵.

است و بنابراین، تشخیص اصل آن‌ها به مطالعه تاریخی واژه نیاز دارد؛ مثل:

- شبان: «در پهلوی شبان šupan بوده است. پان و بان در واژه پساوند است و ستاک «شو» ریختی است کوتاه شده از فشو fašu در پهلوی به معنی دان و گوسفند که از اوستایی پسو برآمده است.» (نامه باستان، ج ۱: ۳۲۴)
- یاور: یار+ ور (همان: ۳۷۹)
- پارچه: پاره+ چه
- ۵. کلماتی که در تکواژ وابسته آن‌ها فرایند تبدیل صورت گرفته است؛ مثل:
- پگاه: ب+ گاه: به هنگام
- نایژه: نای+ چه (پسوند تصغیر)

۶. کلماتی که در آن‌ها فرایند تبدیل و کاهش یا افزایش، توأمان صورت گرفته است:

- مژه: موی+ چه (پسوند تصغیر)
- ساریبان: سار (= سر)+ وان (=بان) دارای سر و ریاست چنان‌که: زیرک سار: زیرک سر

۷. کلماتی که پسوندشان امروزه بی‌معنی و زاید است؛ مثل:

- جویبار: جوی/ رودبار: رود
- زنخدان: زنخ
- پاکیزه: پاک

(ب) هم‌زمانی: نگرشی که کنونی است؛ نگاه گویندگان و خوانندگان عصر ماست و به پیشینه باستانی و در زمانی